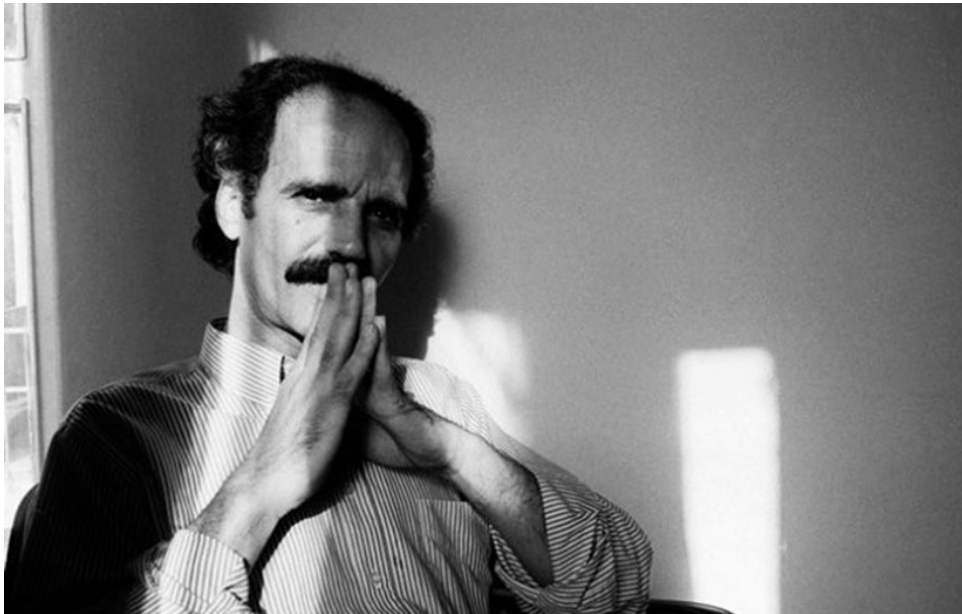


به یاد هوشنگ گلشیری، فراتر از یک روشنفکر



هوشنگ گلشیری

هوشنگ گلشیری در ۱۶ خرداد سال هفتاد و نه درگذشت و تا به امروز درست بیست سال از آن روز می‌گذرد. بله؛ اگر تلخی این همه روز و ماه و سال -ایامی که حالا از چگونگی طی شدنشان در عجیبم- با ما و در ما ریشه نکرده بود، حتما باور گذر این بیست سال سخت تر هم می‌شد. اما گلشیری از معدود کسانی است که هم حضور و هم غیاب‌اش، هر دو ملموس بوده است.

به گذشته که می‌نگریم متوجه حضور موثرش در بحران‌ها و موقعیت‌های مختلف به عنوان فعالی اجتماعی - و نه صرفاً یک روشنفکر- خواهیم شد. یادداشت‌ها، مقالات و مصاحبه‌های او در مطبوعات خود گواه این ادعاست. او در تلاشی مستمر بود تا از ادبیات دریچه‌ای بسازد، پنجره‌ای گشوده رو به اجتماع برون و درون جامعه‌ی خویش. و شاید همین رویکرد، ادبیات آن سال‌ها را از بستر منفعلانه‌ای که در این یکی- دو دهه با آن مواجهیم، متمایز کرده است. آنچه که به دلایل مختلف در تمامی این سال‌ها رخ داده، بی‌شک قطع رابطه‌ی نویسندگان با دیگری - به مثابه مردم- بوده است و همین‌طور رنگ باختن نقش نویسنده با اجتماع پیرامون‌اش که آرام‌شکلی دیگرگونه به خود گرفته است: افزایش فاصله میان این و آن و خزیدن به دخمه‌ای که تو را از همه چیز و همه کس مصون می‌کند؛ تا برسیم به امروز، عده‌ای محدود که تنها برای خود می‌نویسیم و می‌خوانیم و جایزه‌های رنگارنگ برپا می‌کنیم. انگار دایره‌ای بسته -که علی‌رغم افزونی روزانه‌ی جامعه‌ی آماری- جز قطع ارتباط میان خود و دیگری حاصلی نداشته است: کاهش تعداد تیراژ کتاب‌ها نسبت به سال‌های گذشته، رواج سطحی‌انگاری و کاهش روز به روز سلیقه‌ی مخاطبین از جمله مواردی است که مصداق چنین وضعیتی است.

حضور گلشیری و امثال کسانی چون او، نقطه‌ی اتکایی‌اند تا این همه را از وضعیتی آشوب‌زده ایمن سازند؛ از سویی به عنوان منتقدی سرسخت و از دیگر سو صدایی رسا تا علاوه بر امر مطالبه‌گری، نقش منفعلانه‌ی نویسندگان را به نقشی برجسته و انکار ناپذیر بدل کنند. نبود گلشیری - به گمانم- از این منظر بیش از زوایای دیگر مشهود است؛ و البته که هرچقدر از زمان مرگ‌اش می‌گذرد بیشتر بر سهم فقدان‌اش افزوده می‌شود: جای خالی‌ای که پرنشاندنی است. علی‌رغم آنکه در کنار این غیاب، حضور سنگین‌اش در سبک و قالبی که رقم زد، و جریانی که هنوز هنوز ساری و جاریست قابل بررسی است.

نام و یادش همیشه و همواره در خاطر ماست.